

جایگاه شعر معاصر فارسی در جهان عرب

علی زائری

دکترای ادبیات تطبیقی، دانشگاه اردن

مقدمه

پیوندهای فرهنگی و ادبی ایران و جهان عرب تاریخی کهن دارد و اعراب از دیرباز توجه بسیاری به ادبیات و فرهنگ ایران زمین داشته‌اند، ولی این توجه از نیمهٔ دوم قرن بیستم وارد مرحلهٔ تازه‌ای شد و با تأسیس گروه‌های زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه‌های معتبر عربی، ایران‌شناسی به صورت شاخه‌ای علمی و آکادمیک پا به منصهٔ ظهور نهاد. از دههٔ ۱۹۶۰، دانش‌آموختگان زبان و ادبیات فارسی اقدام به ترجمهٔ نمونه‌هایی از ادبیات فارسی کردند و پژوهش در این زمینه را سامان دادند و آثار قابل توجهی در این زمینه تألیف و ترجمه شد. در میان انواع ادبی، شعر معاصر فارسی مورد توجه بسیاری از ایران‌شناسان عرب واقع شد و با نگاهی به آثار منتشرشده در می‌یابیم که شعر معاصر، در کنار داستان کوتاه، بیشترین سهم را از فعالیت ایران‌شناسان عرب در زمینهٔ ادبیات معاصر فارسی به خود اختصاص داده است. اگر چه کار در حوزهٔ شعر معاصر، چه پژوهش و چه ترجمه، از همان ابتدا با مشکلات و دشواری‌های فراوان همراه بوده است، ولی

علی زائری (دانش‌آموختهٔ دکتری ادبیات تطبیقی، دانشگاه اردن) پایان‌نامه‌اش را دربارهٔ تصویر غرب در رمان‌های ایرانی و عربی نوشت. او علاوه بر پژوهش در زمینهٔ ادبیات تطبیقی و نقد ادبی، داستان‌های "سگ ولگرد" صادق هدایت، "آینه" محمود دولت‌آبادی، "بچه مردم" جلال آل احمد، "ماهی سیاه کوچولو" صمد بهرنگی، "قصهٔ عینکم" رسول پرویزی، "گرگ" هوشنگ گلشیری و "ناشناس" سیمین دانشور را به عربی ترجمه و در نشریاتی چون *افکار منتشر* ساخته است.

Ali Zaeri <zaerivand@gmail.com>

ISSN 0892-4147-print/ISSN 2159-421X online/2014/29.1/74-93

دست کم سبب شده است خوانندگان عزیزبان و علاقه‌مندان به شعر معاصر فارسی با این گونه ادبی در ایران تا حدودی آشنا شوند و تصویری هرچند کلی از آن در ذهنشان نقش بندد.

در این نوشتار، به جایگاه شعر معاصر فارسی در جهان عرب در قالب بررسی موضوعاتی همچون آغاز روی آوردن اعراب به شعر معاصر فارسی، پیشگامان این امر، اشعار فارسی ترجمه‌شده به عربی و نیز کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و پژوهش‌های صورت‌گرفته در این زمینه پرداخته‌ایم و در پایان، به ترجمه شعر معاصر فارسی به زبان عربی و برخی مشکلات آن نگاهی انداخته‌ایم.

جایگاه شعر معاصر فارسی در جهان عرب

آغاز روند ترجمه و نقد شعر معاصر فارسی در جهان عرب به دهه ۱۹۶۰ باز می‌گردد. با راه‌اندازی مجله *الدراسات الأدبیه* در دانشگاه لبنان^۱، نخستین بار چهار رباعی از حسین قدسی نخعی به عربی ترجمه و در این مجله منتشر شد. کمی بعد، همین مجله ترجمه قصیده‌ای از احمد ناظرزاده کرمانی با عنوان "ابر" را منتشر کرد. در ۱۹۶۵، محمد غنیمی هلال با انتشار کتابی مجموعه‌ای از اشعار فارسی را به عربی برگرداند که عمدتاً به ترجمه اشعاری از شعرای برجسته کلاسیک اختصاص داشت، ولی در پایان کتاب نیز پنج قصیده از محمدتقی بهار و پنج قصیده از رشید یاسمی را به عنوان پیشگامان تجدد در شعر معاصر فارسی گنجاند.^۲

در ۱۹۷۷، بدیع محمد جمعه پژوهشی در زمینه اشعار پروین اعتصامی صورت داد و در آن تعدادی از اشعار او را به عربی ترجمه کرد. ابراهیم الدسوقی شتا در ۲۸۹۱ کتاب *الشعر الفارسی الحدیث: درسه و مختارات* را روانه بازار کرد که شامل پژوهشی در شعر معاصر فارسی و ترجمه نمونه‌هایی از آن بود.^۳

روند ترجمه شعر معاصر فارسی تا ۱۹۹۴ دچار رکود شد تا اینکه مجله *سوری الآداب الأجنیبه* ویژه‌نامه‌ای در زمینه ادبیات فارسی منتشر کرد که در آن، ترجمه تعدادی از اشعار فارسی‌سرایان معاصر به چشم می‌خورد. مجله *شیراز* نیز در نخستین شماره خود در ۱۹۹۷ تعدادی از اشعار معاصر فارسی را به زبان عربی برگرداند. در همین سال محمد اللوزی، ایران‌شناس مراکشی، مجموعه‌ای از اشعار معاصر فارسی را در قالب کتابی با عنوان *مصباح الذات* به عربی ترجمه و عرضه کرد.^۴ سال بعد نیز طارق محمود احمد، دانشجوی مصری دانشگاه عین شمس قاهره،

۱. این مجله از نخستین مجلات عربی است که به مسئله ادبیات معاصر فارسی و ادبیات تطبیقی فارسی و عربی می‌پردازد. ویکتور الکک، ایران‌شناس برجسته لبنانی، این مجله را در دهه ۱۹۶۰ تأسیس کرد.
۲. محمد غنیمی هلال، *مختارات من الشعر الفارسی*، راجع الترجمة احمد رامی (القاهره: الدار القومیة للطباعة و النشر،

۱۹۶۵).

۳. ابراهیم الدسوقی شتا، *الشعر الفارسی الحدیث: درسه و مختارات* (القاهره: الهیئه العامه المصریه للکتاب، ۱۹۸۲).

۴. أحمد اللوزی، *مصباح الذات: مختارات الشعر الفارسی المعاصر* (الرباط: الهیئه العامه لقصور الثقافه، ۱۹۹۷).

پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود را با موضوع نادر نادرپور نوشت و ترجمه دیوان او را نیز به پایان‌نامه‌اش افزود.

در ۹۹۹۱، محمد اللوزی گزیده‌ای از اشعار فروغ فرخزاد را با عنوان *تشرق الشمس به عربی برگرداند*. یک سال بعد، مؤسسه جایزه شاهزاده عبدالعزیز سعود الباطین در کویت کتاب *مختارات من الشعر الفارسی* را در اختیار علاقمندان قرار داد.^۵ این کتاب در حقیقت آمیزه‌ای از شعر کلاسیک و مدرن فارسی و برگزیده اشعار ۳۳ شاعر از دوره‌های متفاوت بود.^۶ از ویژگی‌های کتاب مذکور این است که عارف الزغول، ایران‌شناس و مترجم اردنی، به همراه دانشجویان گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه عین شمس آن را به نثر ترجمه کرد و دو شاعر عربی، مصطفی عکرمه و عبدالناصر الحمد، با کمک ویکتور الکک این ترجمه را به نظم درآوردند. نکته جالب توجه این است که بسیاری از اشعار در همان وزن عروضی فارسی‌شان به نظم عربی درآمده‌اند. هرچند در جریان این انتقال برخی مضامین و اندیشه‌ها فدای وزن عروضی و قافیه شد، اما این اثر منبع قابل استنادی برای آموزش ترجمه شعر از فارسی به عربی است. در همین سال، سمیر ارشدی و حسین محفوظی دیوان پروین اعتصامی را ترجمه و در کویت منتشر کردند. افزون بر این، اتحادیه نویسندگان عرب گزیده‌ای از اشعار فروغ را تحت عنوان *عمدنی بنیذ الأمواج روانه بازار کرد*. این اشعار را ناطق عزیز و احمد عبدالحسین به عربی برگردانده بودند.

سال پس از آن سال پرکاری در زمینه ترجمه اشعار معاصر فارسی بود، زیرا چند اثر مرتبط با شعر فارسی به عربی منتشر شد. نخست، *روزنامه النهار ۴* مقاله درباره شعرای معاصر ایران به قلم دلال عباس منتشر کرد که در آن نمونه‌ای از اشعار این شعرا به چشم می‌خورد. همچنین، ندی حسون، رئیس گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه دمشق، گزیده‌ای از اشعار حسن اسرافیلی را به عربی برگرداند که اتحادیه نویسندگان عرب آن را منتشر کرد. *مجله الجوار الأدبی* نیز در همین سال تعدادی از اشعار شعرای برجسته معاصر ایران را ترجمه و منتشر کرد.

در سال ۲۰۰۲، محمد اللوزی یکی از مهم‌ترین کتاب‌هایی را که در زمینه شعر معاصر فارسی در جهان عرب منتشر شده است گردآوری کرد. این اثر *ماوراء الکلمه: أنتولوجیا الشعر الفارسی المعاصر* نام دارد.^۷ از ویژگی‌های این اثر آن است که نویسنده در امانتداری دقت بسیار کرده و افزون بر توضیح اسامی، مکان‌ها، نمادها، اساطیر و... در ترجمه از منابع دست اول فارسی بهره برده و به

۶. عارف الزغول، *مختارات من الشعر الفارسی* (الکویت: مؤسسه جائزة الأمير عبدالعزیز سعود الباطین، ۲۰۰۰).
۷. محمد اللوزی، *ماوراء الکلمه: أنتولوجیا الشعر الفارسی المعاصر* (الرباط: وزارة الثقافة و الاتصال، ۲۰۰۲).

۵. مؤسسه جائزة الأمير عبدالعزیز سعود الباطین را شاهزاده عبدالعزیز سعود الباطین در کویت تأسیس کرده است که به فعالیت در زمینه ادبیات، به‌ویژه شعر، و حمایت از شعرا و نویسندگان می‌پردازد.



تک‌تک آنها نیز اشاره کرده است. این ویژگی‌ها در کمتر کتابی که در زمینه شعر معاصر فارسی به عربی نوشته شده باشد به چشم می‌خورد. این ایران‌شناس مراکشی در پایان کتاب متن اصلی برخی اشعار فارسی را نیز آورده است. موسی بیدج نیز نشید غابه التخیل را منتشر ساخت که مجموعه‌ای از اشعار فارسی سرایان معاصر بود. در همین سال، کتاب *مختارات من الشعر الفارسی* محمد غنیمی هلال، که در ۱۹۶۵ منتشر شده بود، تجدید چاپ شد.

این روند در سال‌های بعد جسته و گریخته ادامه پیدا کرد. در سال ۲۰۰۲، ندی حسون مجموعه‌ای

از اشعار فارسی در حوزه مقاومت را به عربی برگرداند و در *مجلة الآداب الأجنبیه* سوریه منتشر کرد. غسان حمدان نیز گزیده‌ای از اشعار فروغ را به همراه مختصری از زندگی‌نامه‌اش به عربی برگرداند و در *مجلة المدی* به چاپ سپرد. او همچنین مجموعه‌ای از اشعار فروغ را در قالب کتابی تحت عنوان *وحده الصوت یقیی* ترجمه و توسط انتشارات المدی عرضه کرد. محمد نورالدین عبدالمنعم نیز کتابی با نام *مختارات من الشعر الفارسی الحدیث* را به علاقه‌مندان شعر فارسی در جهان عرب عرضه کرد که شامل ترجمه تعداد بسیاری از اشعار شعرای برجسته معاصر فارسی بود. فرزندق اسدی نیز آخرین کتاب این سال را با عنوان *مختارات من الشعر الفارسی* منتشر کرد.

در سال ۲۰۰۴، *مجلات شیراز، المدی* و *حوار* ترجمه تعدادی از قصاید معاصر فارسی را منتشر کردند. در همین سال، *مجلة الآداب لبنان* ویژه‌نامه کاملی را به شعر معاصر فارسی اختصاص داد که در آن آثار شاخصی از بزرگان شعر معاصر به چشم می‌خورد. در این سال هیچ کتابی در زمینه شعر فارسی منتشر نشد.

عباس رضوی در سال ۲۰۰۵ کتاب *ادبیات معاصر ایران*، اثر اسماعیل حاکمی را ترجمه کرد که شامل برگردان تعدادی از اشعار معاصر فارسی بود.^۸ شورای عالی فرهنگ مصر نیز در همین سال دو کتاب در زمینه شعر معاصر فارسی منتشر کرد:^۹ نخست، ترجمه *دیوان آیت‌الله خمینی* و دیگری

۶۰ عنوان کتاب در زمینه فرهنگ و ادبیات ایران به عربی ترجمه و در جهان عرب منتشر کرده است.

۸. اسماعیل حاکمی، *الأدب الأیرانی المعاصر*، ترجمه عباس رضوی (بیروت: دارالروضة، ۲۰۰۵).
 ۹. المجلس الأعلى للثقافة از بدو تأسیس تاکنون بیش از



الشعر الفارسي المعاصر که هر دو کتاب را محمد علاء‌الدین منصور ترجمه کرده بود.

شورای ملی فرهنگ، هنر و ادبیات کویت در سال ۲۰۰۷ کتاب *امراه وحیده*: فروغ فرخزاد و اشعارها را به نشر سپرد.^{۱۰} این اثر ترجمه عربی کتابی انگلیسی بود که مایکل هیلمن در ۱۹۸۷ منتشر ساخته بود.^{۱۱} شورای مذکور همچنین در سال ۲۰۰۸ کتاب *مختارات من الشعر الايراني الحديث* به ترجمه موسی بیدج را منتشر کرد.^{۱۲} در همین سال، مرکز قومی ترجمه *مختارات من أشعار نياما يوشيج* را روانه بازار کرد.^{۱۳} این کتاب در حقیقت پایان‌نامه کارشناسی ارشد رمله محمود غانم بود که در ۱۹۹۹ در دانشگاه عین شمس عرضه شده بود.

سال بعد، بار دیگر غسان حمدان دیوان

آیت‌الله خمینی را ترجمه و روانه بازار کرد.^{۱۴} کتاب دیگری که در این سال انتشار یافت، گزیده‌ای از رباعیات قدیم و جدید فارسی بود که محمد نورالدین عبدالمنعم آنها را با نام *فن الرباعی گرد هم آورد*.^{۱۵} آخرین کتابی که در زمینه شعر معاصر فارسی در جهان عرب منتشر شده است، دیوان کامل فروغ فرخزاد است که آن را ایران‌شناس سوری، علیا الدایبه، ترجمه کرده است.^{۱۶}

بر اساس پژوهش حاضر، به نظر می‌رسد از سال ۲۰۰۹ تاکنون کتابی در زمینه شعر معاصر فارسی به زبان عربی منتشر نشده، ولی روند ترجمه در نشریاتی چون *الدراسات الأدبیه* و *شیراز هم‌چنان*

۱۰. مایکل هیلمن، *امراه وحیده: فروغ فرخزاد و اشعارها* (الکویت: المجلس الوطنی للثقافة والفنون و الآداب، ۲۰۰۷). المجلس الوطنی للثقافة والفنون و الآداب تاکنون چندین اثر ادبیات معاصر فارسی را ترجمه و با قیمت بسیار ارزان در کشورهای عربی توزیع کرده است.

11. Michael Hillman, *Alone Woman: Farugh Farrokhzad and Her Poetry* (Austin: University of Texas, 1987).

۱۴. *دیوان الإمام الخمينی، ترجمه غسان حمدان* (الکویت: دیوان للطباعة و النشر و التوزيع، ۲۰۰۹).

۱۲. موسی بیدج، *مختارات من الشعر الايراني الحديث* (الکویت: المجلس الوطنی للثقافة والفنون و الآداب، ۲۰۰۸).

۱۵. محمد نورالدین عبدالمنعم، *فن الرباعی: مختارات من الرباعیه الفارسیه* (القاهره: المركز القومي للترجمة، ۲۰۰۹).

۱۳. رمله غانم، *مختارات من أشعار نياما يوشيج* (القاهره: ۲۰۰۸).

۱۶. علیا الدایبه، *تمرّد، الشاعره فروغ فرخزاد* (حلب: دار نون، ۲۰۰۹).

ادامه داشته است. افزون بر این، با فراگیر شدن دسترسی به اینترنت شاهد آنیم که میزان فراوانی از اشعار معاصر فارسی به زبان عربی ترجمه و در پایگاه‌های گوناگون الکترونیکی منتشر شده‌اند که البته بخش عمده‌ای از این ترجمه‌ها قابل اعتماد نبوده، به شدت ضعیف‌اند.

نکته‌ای که در اینجا باید بدان اشاره کرد این است که اکثر ترجمه‌های عربی شعر معاصر فارسی در حقیقت گزیده اشعار بوده و تعداد اندکی از دیوان‌های شعرای معاصر فارسی به صورت کامل به عربی ترجمه شده است. شاید یک علت آن باشد که مترجمان هنگام برگرداندن گزیده اشعار از آزادی عمل بیشتری برخوردارند و می‌توانند اشعاری را که ارتباط بیشتری با آن برقرار کرده‌اند یا حتی به لحاظ فن ترجمه دشواری کمتری دارند برگزینند؛ در حالی که ترجمه دیوان کامل نیازمند توان بالایی مترجم است. علت دیگر ممکن است این باشد که معمولاً خوانندگان عرب‌زبان تمایل دارند تصویری کلی از ادبیات سایر کشورها و زبان‌ها به دست آورند؛ بدین معنی که در زمینه شعر و داستان کوتاه سلیقه اعراب بر تنوع در آثار ترجمه‌شده است و از ترجمه گزیده‌هایی از شعر و داستان کوتاه معاصر سایر زبان‌ها بیشتر استقبال می‌کنند تا ترجمه دیوان کامل از یک شاعر یا مجموعه داستان‌های یک داستان‌نویس.

درباره شعر معاصر فارسی

یکی از نکات قابل توجه در زمینه شعر معاصر فارسی در جهان عرب این است که تاکنون هیچ کتاب تألیفی به صورت مستقل به نقد و تحلیل شعر معاصر فارسی نپرداخته و همه کتاب‌هایی که در این زمینه به چاپ رسیده‌اند، در حقیقت آمیزه‌ای از پژوهش در شعر معاصر فارسی و ترجمه نمونه‌هایی از آن‌اند؛ بدین معنا که ایران‌شناسان عرب در کتاب‌هایی که در زمینه شعر معاصر فارسی نوشته‌اند، بخشی از کتاب را به تاریخ‌نگاری، پیشگامان و سیر تحول شعر معاصر فارسی اختصاص داده و در بخشی دیگر، که بخش عمده کتاب است، به ترجمه آثاری از شعرای معاصر ایرانی پرداخته‌اند. همین امر سبب شده است محور کتاب بر پایه ترجمه شعر بچرخد و به بخش تحلیلی، فنی و انتقادی آن کمتر توجه شود. مترجمان یا بخشی از کتاب را به پژوهش در شعر فارسی اختصاص می‌دهند یا در مقدمه‌های خود به این مهم همت می‌گمارند.

در مجموع، ایران‌شناسان عرب دو نوع پژوهش در زمینه شعر معاصر فارسی صورت داده‌اند: نخست پژوهش‌هایی کلی از جمله درباره آغاز شعر معاصر فارسی، سیر تحولات، پیشگامان، مضامین و ویژگی‌های آن و دیگری پرداختن به موضوعاتی جزئی‌تر در شعر معاصر فارسی. از جمله کتاب‌هایی که به پژوهش کلی در شعر معاصر فارسی پرداخته‌اند من قضايا الشعر المعاصر

الفارسی فی النصف الأول من القرن العشرين است.^{۱۷} نویسنده در این کتاب نگاهی به سیر تحولات شعر فارسی در نیمه نخست قرن بیستم داشته و به مهم‌ترین موضوعات و مضامینی که در این دوره به چشم می‌خورد پرداخته و سپس، نمونه‌هایی از شعر معاصر فارسی را به عربی برگردانده است. او هنگام آوردن نمونه‌های شعری مختصری هم به زندگی هر شاعر و ویژگی‌های عمده اشعار او اشاره کرده است.

کتاب دیگری که به ویژگی‌های کلی شعر معاصر فارسی پرداخته *تطور الشعر الإيراني الحديث* است. این کتاب در حقیقت فصلی از کتاب نویسنده‌ای ایرانی است که مترجم آن را به عربی برگردانده، ولی هیچ اشاره‌ای به نام نویسنده نکرده است. جالب‌تر آنکه حتی در مقدمه خود نیز به نام کتاب فارسی اشاره‌ای نمی‌کند و مشخص نیست نویسنده این کتاب کیست. این اثر به سیر تحولات شعر فارسی از فرم کلاسیک به فرم کنونی آن پرداخته است.^{۱۸}

یکی از مهم‌ترین کتاب‌های ترجمه شده در زمینه شعر فارسی به عربی اثری است از محمدرضا شفیعی کدکنی با نام *ادبیات فارسی از عصر جامی تا روزگار ما* که مترجم آن را از انگلیسی به عربی برگردانده است.^{۱۹} البته این کتاب شامل نثر و شعر فارسی است، ولی از آنجا که منبع ارزشمندی در زمینه نقد ادبی فارسی به شمار می‌رود، مورد توجه بسیار اعراب قرار گرفته است.

از میان کتاب‌هایی که جزئی‌تر به شعر معاصر فارسی و به عبارت درست‌تر به یک شاعر خاص پرداخته است، می‌توان به شاعره *ایران بروین اعتصامی* نوشته بدیع محمد جمعه اشاره کرد.^{۲۰} نویسنده در این کتاب مفصلاً به زندگی پروین اعتصامی پرداخته و شعر او را به لحاظ موضوعات، مضامین، ویژگی‌ها و سبک خاص شاعر بررسی کرده، سپس نمونه‌هایی از شعر او را به عربی برگردانده است.

کتاب دیگر، شعر شفیعی کدکنی نام دارد که کاری مشترک از محمود سلامه علاوی و محمد علاء الدین منصور است.^{۲۱} این کتاب شامل دو بخش است که هر نویسنده کار نگاشتن یکی از آنها را بر عهده داشته است. نویسندگان در این اثر به ویژگی‌های دوره تاریخی شاعر، زندگی‌نامه

عبارت است از
Shafi'i Kadkani, *Persian Literature from The Time of Jami to the Present Day* (Stanford: Stanford University Press, 1995).

۲۰. بدیع محمد جمعه، شاعره *ایران بروین اعتصامی* (القاهره: جامعه عین شمس، کلیه الآداب، ۱۹۷۷).

۲۱. محمود سلامه علاوی و محمد علاء الدین منصور، شعر شفیعی کدکنی (القاهره: دار الکتب المصریه، بی‌تا)

۱۷. دبع محمی جمعه، *من قضایا الشعر الفارسی المعاصر فی النصف الأول من القرن العشرين* (بیروت: دارالنهضة، ۱۹۸۳).

۱۸. محمود محروس قشطه، *قضایا الأدب المعاصر فی ایران* (القاهره: دارالآداب، ۱۹۸۵).

۱۹. محمدرضا شفیعی کدکنی، *ادب الفارسی منذ عصر الجامی و حتی آیامنا*، ترجمه بسام رباعه، عالم المعرفة، العدد ۳۶۸، (اکتوبر ۲۰۰۹). مشخصات کتاب انگلیسی

او، نظر منتقدان و شعرا دربارهٔ او و ویژگی‌های شعرش پرداخته و با بررسی تحلیلی نمونه‌هایی از شعر کدکنی، آنها را از لحاظ قالب، موضوع و درونمایه بررسی کرده‌اند.

کتاب دیگر در این زمینه *الأسطورة بين العرب و الفرس و الترك اثر حسين مجيب المصرى* است.^{۲۲} البته فقط یک بخش از این کتاب به شعر معاصر فارسی اختصاص دارد و نویسنده کاربرد اسطوره در شعر معاصر فارسی را کاویده است. *المصرى* شعرای ایران را به لحاظ استفاده از اسطوره به سه دسته تقسیم کرده: دستهٔ اول شعرايى‌اند که از نظر سبک و مضامین به روش پیشینیان سروده‌اند. دستهٔ دوم شاعرانی‌اند که مضامین و اندیشه‌های جدیدی را وارد اشعار خود کرده‌اند، ولی روششان همان روش پیشینیان است. این گروه از اسطوره در اشعار خود به منزلهٔ نمادهایی برای اشاره به ظلم، ستم، عذاب و مانند اینها استفاده کرده‌اند که در جریان مبارزات آزادی‌طلبانه‌شان بدان دچار شدند. واپسین دسته نیز شعرايى‌اند که از یک سو وزن‌های جدیدی را وارد شعر فارسی کرده‌اند و از سوی دیگر اسطوره را در اشعار خود با روشی نو به کار برده‌اند. به عقیده نویسندهٔ این کتاب، نیما یوشیج توانسته است به مفهوم اسطوره بُعد تازه‌ای ببخشد، زیرا اسطوره نزد او خرافات و مسائل غیر منطقی است که عقل سلیم آن را رد می‌کند و از همین رو نیما صرفاً از اسطوره به مثابه نماد مسائل خرافی و باطل بهره برده است.

همان‌گونه که اشاره شد، مترجمان شعر معاصر فارسی به زبان عربی در مقدمه‌های آثار خود به تحلیل و نقد شعر معاصر فارسی یا شعرای معاصر پرداخته‌اند. از جملهٔ این مقدمه‌ها دیباچه‌ای است که مترجمان اشعار فروغ فرخزاد با عنوان *عمدنی بنیید الأمواج* آورده‌اند که علاوه بر پرداختن به زندگی و آثار فروغ و نیز ویژگی‌های شعری او، به بیان دلایل انتخاب او برای ترجمه نیز اشاره کرده‌اند.^{۲۳} مترجمان هدف از انتخاب فروغ را آشنا کردن خوانندگان عرب با برخی ویژگی‌های زنده و اصیل شعر معاصر فارسی عنوان کرده‌اند.



۲۲. حسین مجیب المصری، *الأسطورة بين العرب و الفرس و الترك* (القاهرة: الدار الثقافیه، ۲۰۰۰).

۲۳. فروغ فرخزاد، *عمدنی بنیید الأمواج*، ترجمه ناطق عزیز و أحمد عبد الحسین (دمشق: اتحاد الکتاب العرب، ۲۰۰۰).

از دید این دو مترجم، پرداختن به شعر فروغ سبب می‌شود که ویژگی‌های مشترک شعر مدرن فارسی و عربی مورد کنکاش قرار گیرد و موانع پیش روی ارتباط فرهنگی ایران و عرب بیش از پیش از میان برداشته شود. عزیز و الحسین لزوم توجه به شعر شرقی را در کنار پرداختن به شعر غربی از دیگر دلایل انتخاب فروغ بیان کرده‌اند.

ادریس بلملیح در مقدمه‌ای که بر کتاب *تشرق الشمس* نوشت عنوان کرد که انتخاب فروغ برای ترجمه پویایی خاصی به تقویت روابط فرهنگی معاصر ایران و جهان عرب بخشیده است.^{۲۴} او همچنین خیال‌پردازی فروغ را دستمایه نقد قرار داده و معتقد است خیال نزد فروغ مبتنی بر احساس غربت، سرگستگی، عشق و زیبایی‌مداری است که فقط می‌توان در قالب استعارات، تشبیهات و مجازها از آن تعبیر کرد. اگر چه این کلام تا حدودی درست است، ولی آنچه سبب میشود نقد این ایران‌شناس عرب به فروغ چندان محل توجه قرار نگیرد، پرداختن به گرایش‌های دینی فروغ و صدور حکم در این زمینه است. او بر این باور است که فروغ شیعه‌گریز و اسلام‌گریز مطلق بوده و نه فقط گرایش‌های اسلامی نداشت، بلکه یک مسیحی تمام‌عیار بود. او همچنین اذعان می‌دارد که بُعد مسافت و جغرافیا میان مراکش و ایران سبب شده است ساکنان این کشور و کلاً مغرب عربی اطلاع چندانی از دستاوردهای ادبای معاصر ایران نداشته باشند.

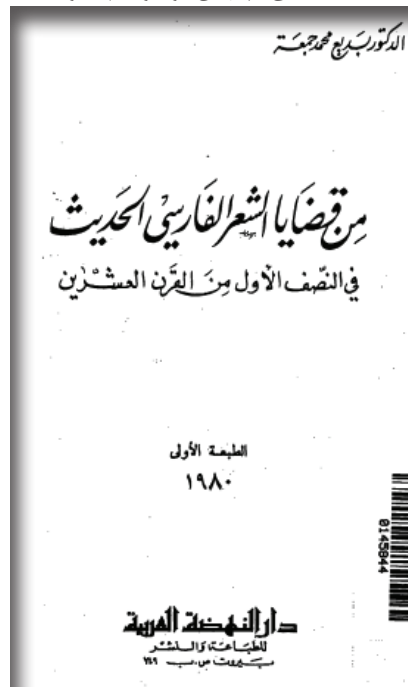
محمد اللوزی، مترجم کتاب، نیز پس از معرفی شاعر و آثار او با منتقدان ایرانی آثار فروغ که تولدی دیگر را اثری نو به لحاظ مضامین می‌دانند مخالفت کرده، عنوان می‌دارد که تفاوت این اثر فروغ با آثار پیشینش صرفاً در فرم آن است؛ بدین معنا که شاعر از فرم سنتی شعر فارسی به سمت شعر نیمایی گام برداشته، ولی تغییری در مضامین اثر صورت نگرفته است.

زبیده اشکنانی نیز در مقدمه‌ای که بر کتاب *أمرأه وحیده: فروغ فرخزاد و أشعارها* نوشته است، اهمیت کتاب را از آن می‌داند که نخستین کتابی است که به زندگی و شعر یک شاعره شرقی پرداخته است. به گفته مقدمه‌نویس، دیگر دلیل اهمیت اثر این است که نویسنده به سبب غربی بودن، قیدوبندهای نویسندگان شرق را ندارد و آزادی عمل و دانش بسیار در زمینه زبان و ادبیات فارسی سبب میشود با اثری ارزشمند روبه‌رو باشیم. اشکنانی در این مقدمه کمی هم دچار مبالغه شده و می‌گوید که امکان ندارد کسی در شرق به لحاظ موضوع‌گرایی، جدیت و صداقت بتواند چنین اثری عرضه کند و این کتابی بی‌نظیر درباره ادبیات مشرق‌زمین است.

۲۴. فروغ فرخزاد، *تشرق الشمس*، ترجمه محمد اللوزی (الدار البيضاء: دار إفريقيا الشرق، ۱۹۹۹).

مترجم کتاب وحده الصوت یقیی در مقدمهٔ این اثر صرفاً به معرفی فروغ می‌پردازد،^{۲۵} ولی به ویژگی‌های شعری او و چرایی انتخاب قصاید ترجمه‌شده در کتاب اشاره‌ای نمی‌کند. همچنین، محمد حسن خاکرند در مقدمه‌ای که بر ملاک الروح^{۲۶} نوشته بر این عقیده است که پروین اعتصامی مشهورترین بانوی فارسی‌سراست و علت شهرت او این است که توانسته الگویی برای زن مسلمان ایرانی باشد و با تکیه بر خرد و نوآوری در شعر طیف وسیعی از جامعهٔ ایران را به خود جذب کند. این مترجم در وصف پروین اغراق فراوان کرده و او را یگانه ستارهٔ فروزان آسمان ادبیات زنان ایران می‌داند. این درحالی است که در همین مقدمه از شاعره‌های ایرانی دیگری همچون زیب‌النساء، لاله‌خاتون و مهستی گنجوی نام می‌برد، ولی مشخص نیست با وجود ذکر این افراد به چه سبب دچار تناقض شده، پروین را یگانه بانوی شاعر ایران می‌داند. خاکرند در این مقدمه به جای موضوع‌گرایی و پرداختن به جنبه‌های نقد تحلیلی اثر به ستایش پروین می‌پردازد و کمتر نظر ناقدانه‌ای دربارهٔ وی و آثارش می‌دهد. به باور او، یکی از ویژگی‌های پروین این است که معلمی مهربان بود و با پند و اندرزهایش روشنی‌بخش زوایای تاریک زندگی خوانندگان خود شد. نویسندهٔ این مقاله اشعار پروین را صرفاً تعلیمی می‌بیند و این با واقعیت کلی اشعار این شاعر فاصله دارد.

موسی بیدج نیز در مقدمهٔ خود بر کتاب نشید غابه النخیل^{۲۷} نگاهی گذرا بر موضوعات شعر معاصر فارسی و رویکردهای آن از جمله سمبولیسم، سوررئالیسم، رمانتیسم و قصیدهٔ نثر انداخته و سپس به معرفی شعر مقاومت پرداخته است که به گفتهٔ او ثمرهٔ جنگ ایران و عراق است. او علت انتخاب این اشعار را برخورداری از قالب‌های جدید عنوان کرده و اظهار می‌دارد که ترجمهٔ چنین قصایدی به سبب خالی بودن از وزن و قافیه آسان‌تر از ترجمهٔ قالب‌های کلاسیک است. شاید این امر در ظاهر درست باشد، ولی مترجم از یک



۲۵. فروغ فرخزاد، وحده الصوت یقیی، ترجمه غسان حمدان (دمشق: دارالمدی، ۲۰۰۳).
 ۲۶. پروین اعتصامی، ملاک الروح، ترجمه حسین محفوظی موسوی و سمیر آرشدی (الکویت: دار السعاده الصباح، ۲۰۰۲).
 ۲۷. موسی بیدج، نشید غابه النخیل (طهران: دارالنذیر، ۲۰۰۰).

نکته غفلت کرده و آن این است که بازی‌های زبانی و نیز نمادگرایی در شعر مدرن بیش از شعر کلاسیک است و ترجمه این موارد از زبانی به زبان دیگر کار ساده‌ای نیست و از همین رو نمی‌توان گفت ترجمه شعر مدرن از کلاسیک راحت‌تر است.

یکی از بهترین مقدمه‌هایی که در زمینه معرفی شعر معاصر فارسی به زبان عربی نوشته شده مقدمه *الشعر الفارسی الحدیث: دراسه مختارات* نوشته ابراهیم الدسوقی شتاست. نویسنده در این کتاب به بررسی روند تحول شعر فارسی از کلاسیک به کلاسیک مدرن و سپس شعر سپید پرداخته و پس از معرفی پیشگامان شعر مدرن فارسی، این گونه ادبی معاصر را به لحاظ ساختار، فرم، درونمایه و رویکردهای آن در ترازوی نقد قرار داده است. شتا در این مقدمه هدف از گردآوری کتاب را بررسی سیر تحول شعر فارسی از نیما تا زمان تألیف اثر در ۲۸۹۱ و بررسی موضوعات و مضامین شعر نو فارسی اعلام کرده است. اگرچه نویسنده کمی شتابزده عمل کرده و پراکندگی بسیار میان مطالب وجود دارد، ولی تا حد زیاد توانسته است در بیان اهداف مذکور موفق باشد. او در بخش پژوهشی کتاب از منابع دست اول و ارزشمندی سود جسته و به لحاظ تنوع نیز اشعاری از شعرای ایران از شاملو، اخوان، فروغ و سپهری گرفته تا رضا برهانی و حمید مصدق در آن به چشم می‌خورد.

محمد عبدالمنعم نیز در مقدمه‌ای که بر *فن الرباعی* نوشته، پس از تأکید بر اهمیت رباعی در ادبیات فارسی اظهار داشته که همه تلاش انتقال مضامین و اندیشه‌های رباعی‌سرایان فارسی به خواننده عرب بوده و از همین رو رباعیات را به نثر ترجمه کرده است. درست است که در جریان ترجمه اشعار وزن عروضی خود را از دست داده‌اند، ولی مترجم در انتقال مضامین و اندیشه‌ها بسیار دقیق بوده و کمتر نکته‌ای را از قلم انداخته است. این کتاب، که شامل ۷۶۸ رباعی است، از دو بخش شعرای قدیم و جدید تشکیل می‌شود. در بخش شعرای معاصر، مترجم رباعیات ۶۱ شاعر از جمله اخوان، مشیری، سیمین بهبهانی، هوشنگ ابتهاج، منوچهر آتشی و نصرت رحمانی را به عربی برگردانده است. او شعر این شعرا را بر اساس تاریخ تولدشان مرتب ساخته و پیش از ترجمه رباعیات هر شاعر، اشاره مختصری نیز به زندگی و شعر او کرده است. این ایران‌شناس عرب شیوایی، روانی، قدرت بسیار تعبیر، تکیه زیاد بر موسیقی و اندیشه‌های خردمندانه را از مهم‌ترین ویژگی‌های رباعی معاصر فارسی می‌داند. به عقیده او، گرچه مضامین جدیدی در رباعیات معاصر به کار رفته است، شعرا گاه به روش رباعیات کلاسیک سروده‌اند که با این همه، این موضوع از ارزش اشعار آنان نمی‌کاهد.

افزون بر کتاب، پایان‌نامه‌های دانشگاهی نیز دیگر زمینه‌ای است که در آن نقد و بررسی شعر

معاصر فارسی شکل یافته است. می‌توان این پایان‌نامه‌ها را کلاً به دو دسته تقسیم کرد: دسته اول پایان‌نامه‌هایی که به بررسی یک شاعر خاص پرداخته و دسته دوم که موضوعی خاص در شعر معاصر فارسی را کاویده‌اند.

از نمونه‌های دسته اول پایان‌نامه بدیع محمد جمعه در خصوص پروین اعتصامی است.^{۲۸} نویسنده در این اثر پس از بیان ویژگی‌های عصر پروین، به بررسی زندگی و شعر او همت گمارده است. ساخت‌گرایی در اشعار نادر نادرپور^{۲۹} دیگر پایان‌نامه‌ای است که درباره یک شاعر بحث کرده است. نویسنده در این پایان‌نامه به ویژگی‌های دوره‌ای که نادرپور در آن می‌زیست پرداخته و سپس زندگی او را بررسی کرده است. او پس از کنکاش در اشعار نادرپور و بیان مهم‌ترین شاخصه‌های آن، بر ساختارهای جزئی و کلی اشعارش تمرکز می‌کند. نویسنده همچنین به بررسی آماری مسائلی همچون حقیقت و مجاز و ایهام در اشعار نادرپور پرداخته، ابراز می‌دارد که شعر او ترکیبی است از دو عنصر تعابیر مستقیم و تعابیر زیباشناختی و همین مسئله، ویژگی منحصر به فردی به اشعار این شاعر ایرانی معاصر داده است. به طور کلی، به‌رغم شتابزدگی‌ای که در این اثر دیده می‌شود، از آنجا که مشابه چنین پژوهشی را کمتر نزد ایران‌شناسان عرب می‌بینیم، ستودنی است.

دانشجویان عرب به نیما یوشیج نیز توجه خاصی کرده و چندین پایان‌نامه درباره وی نوشته‌اند که از جمله آنها می‌توان به کار رمله غانم اشاره کرد.^{۳۰} نویسنده در این پایان‌نامه به بارقه‌های نخستین تجدد در شعر فارسی و عوامل پیدایش آن پرداخته و سپس تجدد در اشعار نیما یوشیج را به‌بوته نقد می‌گذارد. در پایان نیز به بررسی تأثیر نیما در ایجاد تحولی تجددطلبانه در شعر معاصر فارسی می‌پردازد. البته نکته در زمینه بررسی تجدد نزد نیما این است که آثار همه کسانی که در این زمینه قلم زده‌اند مشابه یکدیگر است و سخن تازه‌ای در این خصوص بیان نکرده و صرفاً به نقل نظرات منتقدان و پژوهشگران ایرانی در این باره پرداخته‌اند.

در میان پایان‌نامه‌هایی که به یک موضوع خاص در شعر فارسی پرداخته‌اند می‌توان به حضور شخصیت‌های اساطیری در شعر معاصر فارسی اشاره کرد.^{۳۱} نویسنده در ابتدا رابطه ایرانیان با اساطیر قدیم و کاربرد اسطوره در شعر کلاسیک را بیان می‌کند و سپس به سراغ موضوع

۲۸. بدیع محمد جمعه، *بروین اعتصامی، عصرها و بیتهای*، رساله دکتورا (القاهره: جامعه عین شمس، ۱۹۹۹).

۲۹. طارق محمد محمود أحمد، *بنیه القصیده فی شعر نادر نادرپور: درسه بنویه*، رساله ماجستیر (القاهره: جامعه عین شمس، ۱۹۹۸).

۳۰. رمله غانم، *نیما یوشیج و الاتجاه التجدید فی الشعر*

۳۱. منی عبدالفتاح أحمد موسی، *استدعاء الشخصیات الأسطوریه فی الشعر الفارسی المعاصر* (القاهره: جامعه عین شمس، ۱۹۹۱).

۳۰. رمله غانم، *نیما یوشیج و الاتجاه التجدید فی الشعر*

به کارگیری اسطوره در شعر معاصر می‌رود. او همچنین به مهم‌ترین تجلیات اسطوره در شعر فارسی پرداخته و چگونگی استفاده از آن نزد شعرا به منظور بیان دغدغه‌های جامعه خود را بررسی کرده است.

در زمینه پایان‌نامه‌های دانشگاهی که به موضوع شعر معاصر فارسی پرداخته‌اند دو نکته بسیار حائز اهمیت است: یکی اینکه اغلب پژوهش‌های صورت گرفته بسیار ابتدایی‌اند و اندیشه جدید و نابی در آنها به چشم نمی‌خورد. به عبارت دیگر، درخور پایان‌نامه دانشگاهی نبوده و بیشتر در حد مقالاتی طولانی‌اند. نکته دیگر اینکه پژوهشگران از منابع دست اول فارسی کمتر استفاده کرده‌اند و همین موضوع سبب ضعیف‌تر شدن آثار آنان شده است.

بر خلاف رمان و داستان کوتاه معاصر فارسی، شعر معاصر در زمینه ادبیات تطبیقی در جهان عرب بی‌بهره نمانده و برخی پژوهشگران به بررسی تطبیقی شعرای ایرانی و عرب پرداخته‌اند که از آن جمله است مقایسه میان نیما یوشیج و بدر شاکر السیاب، ادونیس و احمد شاملو، فروغ فرخزاد و نازک الملائکه و همچنین سهراب سپهری و جبران خلیل جبران.^{۳۳}

نشریات عربی آکادمیک و غیر آکادمیک نیز توجه بسیاری به شعر معاصر فارسی و پژوهش در آن کرده‌اند. در برخی از این پژوهش‌ها، پدیدآورنده به ترجمه فصلی از یک کتاب اقدام کرده است؛ از جمله لمحّه تاریخیه عن الشعر الحر فی ایران که در حقیقت ترجمه فصلی از کتاب شعر نو از آغاز تا امروز نوشته محمد حقوقی است.^{۳۳} اگر چه ترجمه بخشی از یک کتاب یا مقاله و انتشار آن در یک مجله ادبی بهتر از ترجمه شدن آن است، ولی نکته این است که مترجمان به هیچ‌وجه تحلیل شخصی یا نقد خود را به میان نمی‌آورند و با اینکه خود در ادبیات فارسی تخصص دارند و دانش آموخته این رشته‌اند، اما نقششان از



۳۳. محمد حقوقی، "لمحه تاریخیه عن الشعر الحر فی ایران"، ترجمه عبدالکریم حداد، *الاداب الأجنبيّه، العدد ۷۷-۷۸*، السنه ۲۰ (۱۹۹۴).

۳۲. برای نمونه بنگرید به روزیتا قنبرپور، *جبران خلیل جبران و سهراب سپهری: درآسه فی التجربه الشعریه*، رساله ماجستیر (عمان: جامعه العلوم الإسلامیه العالمیه، ۲۰۱۴).

چارچوب برگرداننده محض فراتر نمی‌رود. همین امر را می‌توان در ترجمه مقاله‌ای از محمدجعفر یاحقی با عنوان شعر المقاومة فی الأدب الإيراني المعاصر مشاهده کرد که ندی حسون به عربی برگردانده است.^{۳۴}

در نشریات عربی برخی از مقالات تألیفی نیز به چشم می‌خورد که از جمله آنها مقاله بسام رباعه با عنوان "تطور الشعر الفارسی و ظهور الشعر الحديث"^{۳۵} و همچنین "الخطاب السياسي و الاجتماعي فی شعر مهدی أخوان ثالث" اثر عارف الزغول است.^{۳۶} نکته مرتبط با مقالات تألیفی این است که نویسندگان عرب مقالات به‌رغم استفاده از منابع فارسی در جستارهای خود، گاهی به منابع اشاره نمی‌کنند و در پاره‌ای مواضع خواننده می‌پندارد که نویسنده تحلیل شخصی خود را بیان کرده و این در حالی است که او اندیشه منتقدی ایرانی را بدون اشاره به نامش نقل کرده است. نمونه این موضوع را می‌توان در مقاله "ترجمتان لنص واحد للشاعره الإيرانية المعاصرة بروین اعتصامی"^{۳۷} یافت که نویسنده با آنکه از برخی منابع فارسی استفاده کرده است، رعایت امانت علمی نکرده و به منابع اثر خود اشاره‌ای ندارد.

افزون بر مجلات، روزنامه‌های عربی نیز هرازگاهی مقالاتی درباره شعر معاصر فارسی منتشر می‌کنند که از آن جمله است "رحله الشعر الفارسی المعاصر تحولات شاقه نحو التجديد"^{۳۸} در روزنامه اماراتی الاتحاد که نویسنده آن به کشمکش میان نوگرایان و سنت‌گرایان شعر فارسی و سیر تحول این نوع ادبی در ایران معاصر پرداخته است.

همچنین، روزنامه لبنانی السفير ۴ مقاله از دلال عباس درباره شعرای معاصر، شاملو، نیما، سپهری و گلسخی، منتشر کرد که نویسنده در هر یک از این مقالات به زندگی و ویژگی‌های شعرای این شعرا پرداخته و نمونه‌ای از اشعار آنان را به عربی ترجمه کرده است، اما حرف تازه‌ای نکرده و صرفاً نظرات منتقدان ایرانی درباره این شعرا را تکرار کرده است.

در سال‌های اخیر، فعالیت بسیار دوستاناران شعر معاصر فارسی در زمینه ترجمه و نقد این نوع ادبی به پایگاه‌های الکترونیکی نیز رسیده است. هر چند به لحاظ بار علمی و اعتبار، این پژوهش‌ها و

(۲۰۰۹).

۳۷. منوچهر اکبری، "ترجمتان لنص واحد للشاعره الإيرانية المعاصرة بروین اعتصامی"، الجوار الأدبی، العدد ۱، السنه ۱ (آب ۲۰۰۱).

۳۸. سلمان کاصد، "رحله الشعر الفارسی المعاصر تحولات شاقه نحو التجديد"، صحیفه الاتحاد، الخميس ۹ (یولیو ۲۰۰۹)، الملحق الثقافي.

۳۴. محمدجعفر یاحقی، "شعر المقاومة فی الأدب الإيراني المعاصر"، ترجمه ندی حسون، الأدب الأجنبي، العدد ۱۱۳، السنه ۲۸ (۲۰۰۳).

۳۵. بسام رباعه، "تطور الشعر الفارسی و ظهور الشعر الحديث"، مجله کلیه اللغات والترجمه، العدد ۴۴ (۲۰۰۸).

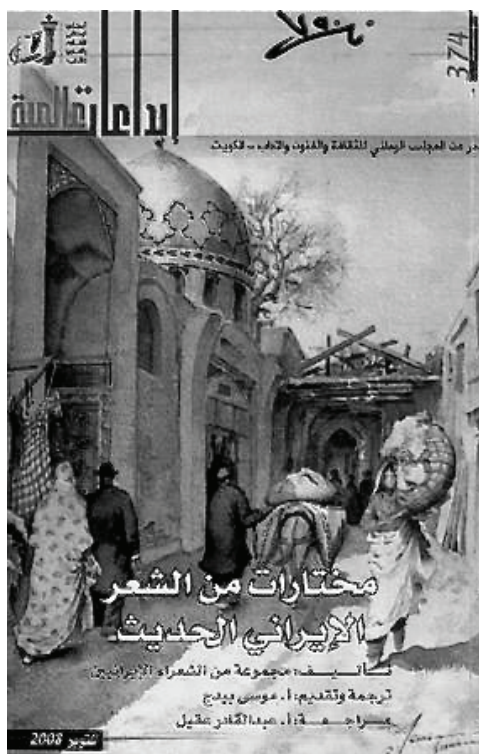
۳۶. عارف الزغول، "الخطاب السياسي و الاجتماعي فی شعر مهدی أخوان ثالث"، مجله الدراسات الأدبیة، العدد ۶۶

ترجمه‌ها از اعتبار چندانی برخوردار نیستند، ولی دست کم سبب آشنایی سطحی کاربران شبکه مجازی با شعر معاصر فارسی می‌شوند. برای نمونه می‌توان به قضایا فی الشعر ایرانی المعاصر ترجمه احمد موسی اشاره کرد.^{۳۹} همچنین، المجتمع و آلامه فی آثار نازک الملائکه و فروغ فرخزاد نوشته مقصود عباسی از این جمله است.^{۴۰} تعداد فراوانی از اشعار معاصر فارسی نیز در فضای مجازی ترجمه شده‌اند.

نقدی بر ترجمه شعر معاصر فارسی به عربی

شعر معاصر فارسی از آغاز ایران‌شناسی در جهان عرب، یعنی نیمه دوم قرن بیستم، بسیار مورد توجه بوده و اشعار فراوانی از فارسی‌سرایان معاصر به عربی برگردانده شد. میل به ترجمه اشعار تا حدی بوده که اعراب توجه کمتری به پژوهش در زمینه این نوع ادبی کرده و بیشتر کوشیده‌اند در زمینه ترجمه گوی سبقت را از یکدیگر برابند. هر چند ثمره این تلاش‌ها آشنایی عرب‌زبانان با شعر معاصر فارسی و شکل‌گیری تصویری کلی از آن در اذهانشان بوده، اما نقدهایی

نیز به ترجمه‌های صورت‌گرفته وارد است. نخست اینکه بسیاری از شعرای نامدار معاصر از سوی مترجمان نادیده گرفته شده‌اند و کمتر شاهد ترجمه آثاری از آنان بوده‌ایم. برای نمونه، در مختارات من الشعر ایرانی الحدیث که شاعر ایرانی، موسی بیدج، گردآوری و ترجمه کرده است، نامی از بزرگانی چون فریدون مشیری، سیمین بهبهانی، محمدعلی بهمنی، نادر نادپور، حمید مصدق و حسین منزوی نمی‌بینیم. این در حالی است که اشعار زیادی از شعرای کم‌آوازه‌تری همچون علیرضا قزوه، یوسفعلی میرشکاک و فرشته ساری در این کتاب به چشم می‌خورد. مشابه این موضوع را می‌توان در سایر مجموعه اشعار ترجمه‌شده به عربی ملاحظه کرد. این



39. www.persanamaroc.blogspot.com

40. www.diwanalarab.com

نکته نشان می‌دهد که مترجمان در انتخاب شعرا بیشتر سلیقه‌ای عمل کرده و کمتر دغدغه معرفی بزرگان و نام‌آوران عرصه شعر معاصر فارسی به خوانندگان عرب‌زبان را داشته‌اند. نکته دیگر اینکه به نظر می‌رسد انتخاب اشعار و شعرا از سوی مترجمان گاهی انگیزه‌های سیاسی به خود می‌گیرد؛ مثلاً نام آیت‌الله خمینی هرگز در مقام شاعری طراز اول در تاریخ ادبیات معاصر ایران مطرح نبوده است، ولی می‌بینیم که دیوان اشعار او را دو مترجم به عربی برگردانده و در دو کشور منتشر کرده‌اند. مترجمان این دو کتاب در مقدمه‌های خود به ابعاد شخصیتی، نقش انقلابی و گرایش‌های عرفانی و صوفیانه آیت‌الله خمینی پرداخته‌اند، ولی به ارزش فنی و ادبی دیوان و نیز چرایی انتخاب آن از منظری انتقادی هیچ اشاره‌ای ندارند.

نکته دیگر آنکه مترجمان توجهی به گونه‌های جدید شعری از جمله شعر پسامدرن نداشته‌اند و بیشتر تمرکزشان بر شعر مدرن بوده است. از همین رو، خوانندگان عرب کمترین شناخت و تصویری از گونه‌های جدید شعری ایران ندارند.

مسئله دیگر این است که جز مواردی اندک، از جمله در *مختارات من الشعر الفارسی*، کمتر شاهد ترجمه اشعار فارسی به نظم بوده‌ایم؛ بدین معنا که اشعار فارسی برگردانده‌شده به عربی اکثراً فاقد وزن و قافیه‌اند و بیشتر شبیه نثرند تا شعر. برخی مترجمان نیز در ترجمه اشعار فارسی دچار اشتباه فاحشی می‌شوند و ترجمه‌های خود را با همان شکل ظاهری متن مبدأ تنظیم می‌کنند و توجهی ندارند که به دلیل کم و زیاد شدن کلمات، تغییر در ترتیب ارکان جمله و از جمله ابتدا واقع شدن فعل در زبان عربی و نیز تفاوت‌های ساختاری، طبیعی است که ساختمان بیرونی شعر به هم بریزد و در اینجا یکی از وظایف مترجم این است که دست‌کم ترجمه‌اش را به لحاظ ظاهری سر و سامان دهد و شبیه به صورت شعر در زبان مقصد کند. فقدان روح و نشانه‌های زیباشناختی در ترجمه‌ها نیز یکی دیگر از مشکلات است. اگرچه به عقیده من ترجمه شعر نوعی خیانت است و برخلاف نثر قادر به ادای حق مطلب نیست، اما کسی که گام در این وادی می‌نهد بهتر است تا جایی که می‌تواند روح و جمال شعر را به خواننده زبان دیگر منتقل کند؛ نکته‌ای که کمتر در اشعار برگردانده‌شده به عربی شاهد آنیم. با نگاهی به ترجمه‌های صورت‌گرفته در می‌یابیم که بسیاری از آنها کاملاً ماشینی ترجمه شده، کمترین روح و جانی در خود ندارند و بیش از آنکه شبیه به شعر باشند، شبیه به متون خبری و انشایی‌اند.

دیگر مسئله‌ای که شایسته است بدان اشاره کنیم، عدم شرح نمادها، مظاهر و نام‌های ایرانی و فارسی به‌کاررفته در اشعار ترجمه‌شده است. همان‌گونه که می‌دانیم، یکی از ویژگی‌های شعر

مدرن نمادگرایی و کاربرد اسطوره است و این مسئله در شعر معاصر فارسی بسیار به چشم می‌خورد، ولی مترجمان در هنگام برگرداندن متن فارسی به عربی توضیحی دربارهٔ نمادها و اساطیر به کار رفته در اشعار نمی‌دهند و همین مسئله سبب سردرگمی خواننده می‌شود. بهتر است در چنین مواردی، مترجم دربارهٔ این نمادها، اساطیر یا اسامی توضیح مختصری در پانویس بدهد تا خواننده درک روشن‌تری از متن پیدا کند.

یکی از نکات محل توجه من در زمینهٔ شعر معاصر فارسی در جهان عرب این است که مترجمان توجه چندانی به شعرای افغان و تاجیک نکرده‌اند و جز موارد انگشت‌شمار، همهٔ تمرکز خود را بر ترجمهٔ آثار شعرای ایرانی گذاشته‌اند و این در حالی است که در این دو کشور، به‌ویژه در افغانستان، آثار قابل تأملی از شاعران آفریده شده است که برای ترجمه مناسب خواهند بود.

علاوه بر مسائل و مشکلات ذکرشده، از لحاظ فنی نیز ترجمه‌های صورت‌گرفته با ایراداتی همراه‌اند که فقط به ذکر چند نمونه از آنها می‌پردازیم.^{۴۱} از جمله مشکلات عمده در زمینه ترجمهٔ اشعار معاصر فارسی، مسئلهٔ فهم نادرست معانی کلمات، اصطلاحات، عبارات یا جملات است که منجر به تحریف دلالتی، سبکی یا معنایی می‌شود. برای مثال، یکی از مترجمان قصیدهٔ "سرود بزرگ" احمد شاملو به جای استفاده از "لا تفصل" در ترجمهٔ عبارت "جدا بدان"، معادل "لا تنفصل" (جدا نشو) آورده که متن را نامفهوم کرده است. این استفادهٔ نادرست از کلمات تحریفی دلالتی را در پی دارد که نمونهٔ آن را در بسیاری از ترجمه‌ها می‌بینیم.

تحریف سبک از دیگر اشتباهاتی است که مترجمان شعر فارسی به عربی دچار آن شده‌اند. در این حالت، مترجم با برداشت نادرست خود از عبارت، در ماهیت و نوع آن تغییراتی ایجاد کرده است که سبب خارج شدن عبارت از فرم اصلی خود می‌شود. تبدیل اسم به فعل همچون استفاده از "تَمَل" (مست شد) در ترجمهٔ "مست"، استفاده از نکره به جای معرفه و برعکس، تغییر در صیغه و زمان فعل و استفاده از جمع به جای مفرد یا برعکس از نمونه‌های چنین برداشت‌های نادرست است.

در بسیاری از مواقع نیز مترجمان با کج‌فهمی یا برداشت نادرست از جملات سبب تغییر معنای کامل آن و به اصطلاح مرتکب تحریف معنوی شده‌اند. مثلاً گروه مترجمان مختارات من الشعر

اشتباهات در پایان‌نامه‌های دانشجویی بررسی شده‌اند. بنگرید به نسرين هانی الدهنی، استقبال الأدب الفارسی المعاصر فی الوطن العربی، رساله ماجستير (دمشق: جامعه دمشق، ۲۰۰۶).

۴۱. با توجه به اینکه جستار حاضر دربارهٔ شعر معاصر فارسی در جهان عرب است و نه نقد ترجمهٔ این اشعار، به شکلی گذرا و صرفاً برای اشاره به مشکلات این ترجمه‌ها به برخی ایرادات آن پراخته‌ایم. همچنین، برخی از این

الفارسی، هنگام ترجمه شعر "آب را گل نکنیم" سهراب سپهری، از عبارت "جَمَل الماء فی سحر محیّاها" در ترجمه "روی زیبا دو برابر شده است" استفاده کرده‌اند. منظور سپهری در عبارت مذکور این است که چهره زیبای دختر در آب زلال منعکس شده و اکنون شاهد دو چهره زیبایییم؛ در حالی که عبارت مترجمان به این معناست که آب به چهره دختر زیبایی بخشیده است. این مفهوم با مفهوم مد نظر شاعر کاملاً تفاوت دارد. بنابراین، در ترجمه عبارت "روی زیبا دو برابر شده است"، می‌توانستند از معادل "صار الوجه الجمیل وجهین" استفاده کنند تا دچار تحریف معنایی نشوند.

از دیگر اشتباهات رایج در ترجمه اشعار فارسی به عربی، حذف و افزودن کلمات و برهم زدن ترتیب خطوط اشعار است.

در اینجا برای روشن‌تر شدن برخی مشکلات و نواقص ترجمه شعر معاصر فارسی به زبان عربی، ترجمه شعر کوتاه "هدیه" فروغ فرخزاد را از کتاب *مختارات من الشعر الإیرانی الحدیث برگزیده‌ام تا نگاهی گذرا به نواقص و اشکالات آن بیندازیم*. متن شعر فروغ این است:

من از نهایت شب حرف می‌زنم
 من از نهایت تاریکی
 و از نهایت شب حرف می‌زنم
 اگر به خانه من آمدی برای من - ای مهربان - چراغ بیاور
 و یک دریاچه که از آن
 به ازدحام کوچه خوشبخت بنگرم.

مترجم، شعر را اینگونه به عربی برگردانده است:

أنا أتکلم من ذرّوة اللیل
 من ذرّوة الظلام
 و من ذرّوة اللیل أتکلم
 إذا جئت إلى بیتی
 أیها الحنون
 هات لی سراجا
 و نافذة صغيرة

أنظر من خلالها إلى ازدحام الزقاق السعيد.

این شعر فروغ، با اینکه بسیار کوتاه است، اما در عین حال بسیار شیوا و پرمفهوم است. کلمات به کاررفته کاملاً هوشمندانه، آگاهانه و باهدف انتخاب شده‌اند و وزن و ریتم نیز با مضمون شعر سازگاری کامل دارد. با نگاهی به ترجمه مذکور، اولین نکته‌ای که توجه را جلب می‌کند، تغییر در طول خطوط شعر است. مترجم یک خط از شعر را به سه خط تقسیم کرده است، کاری که نه فقط انسجام خوانش را بر هم زده، بلکه آن را از ساختار ظاهری شعر عربی نیز دور کرده است. مترجم همچنین ترتیب کلمات را برهم‌زده، بی‌آنکه ضرورتی داشته باشد، زیرا نه در وزن دادن به ترجمه تأثیری داشته و نه از لحاظ ساختار جملات عربی، نیاز به چنین کاری بوده است.

نکته بعدی کم‌دقتی در انتخاب کلمات مناسب به هنگام ترجمه است. مثلاً در دو سطر اول شعر، "از" دلالت مکانی دارد، ولی در سطر سوم، "از" به معنای "درباره" است. به عبارت دیگر، در دو سطر نخست شاعر در مکانی تاریک قرار دارد، ولی در سطر سوم درباره این تاریکی سخن می‌گوید. با این حال مترجم در هر سه سطر از "مِن" استفاده کرده است، در حالی که در سطر سوم باید از "عَنْ" استفاده می‌کرد. مترجم همچنین به جای "نهایه" در ترجمه کلمه "نهایت"، از "ذروه" استفاده کرده که به معنای "قله" و "وج" است و با آنکه در ظاهر ممکن است شباهت معنایی با "نهایت" داشته باشد، ولی انتخاب دقیق و مناسبی نیست و با منظور شاعر فاصله دارد. فعل "هات" نیز انتخاب مناسبی برای "بیاور" نیست و بیشتر بار معنایی "بده" دارد تا "بیاور". بنابراین، بهتر بود مترجم از افعالی همچون "اجلب" یا "احمل" استفاده می‌کرد. بیدج همچنین کلمه "صغیره" (کوچک) را به منزله صفت "پنجره" افزوده است که دلیل این کارش معلوم نیست. کلمه "خلال" نیز در سطر ماقبل آخر زائد است؛ نه وجودش ضرورتی دارد و نه حذف آن به جمله خللی وارد می‌کند. این نمونه‌ها صرفاً مثال‌هایی از اشتباهات رایج در ترجمه اشعار فارسی به زبان عربی‌اند و مشابه آنها را در اکثر ترجمه‌ها می‌توان یافت.

سخن پایانی

با گذشت حدود نیم‌قرن از آغاز ایران‌شناسی در جهان عرب و ترجمه اشعار معاصر فارسی و پژوهش در زمینه آن، خوانندگان عرب‌زبان تا حدودی با این گونه ادبی در ایران آشنا شده‌اند، ولی در عین حال پرداختن به شعر معاصر فارسی در جهان عرب مشکلاتی نیز دارد، از جمله اینکه

انتخاب اشعار و شعرا در بسیاری مواقع بر اساس ذوق و سلیقه شخصی مترجمان و گردآورندگان صورت می‌گیرد و به معیارهای فنی و انتقادی کمتر توجه می‌شود. مشکل دیگر اینکه پژوهش در خصوص شعر معاصر فارسی سهم چندانی در جهان عرب نداشته است، زیرا از یک سو به لحاظ کمی پژوهش‌های صورت‌گرفته بسیار اندک‌اند و از سوی دیگر به لحاظ کیفی نیز یا از عمق چندانی برخوردار نیستند یا حرف تازه‌ای برای گفتن ندارند. به هر حال، امید است ایران‌شناسان عرب بیشتر به شعر معاصر فارسی توجه کنند تا پل‌های ارتباط ادبی و فرهنگی میان ایران و جهان عرب بیش از پیش مستحکم شود.